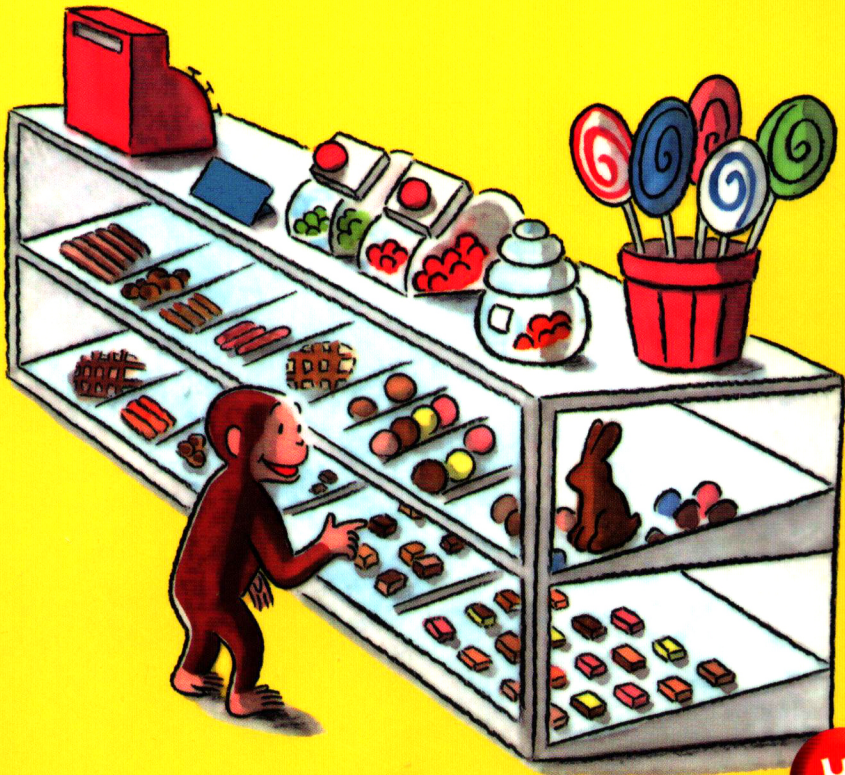


ماجراهای

جورج میمون بازیگوش

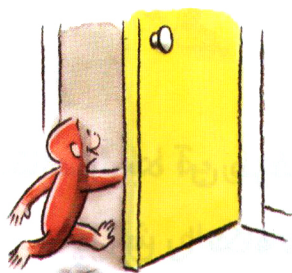
به کارخانه شکلات می رود



مارگرت و اچ.آ.ری

۳

از پنجره بالا رفت تا دید بهتری داشته باشد. او سینی های زیادی پر از لکه های کوچک فیهو ای دید.



جورج کنجکاو شد.
او دری را که به آن طرف پنجره
راه داشت، پیدا کرد.